

زمانه چه بازی ها که ندارد



گزارشی از محاکمهی حمید نوری در دادگاه استکهلم
از کیومرث صابغی

“خبر کوتاه بود
اعدامشان کردند”
سایه

... اما اینبار... بلند بود و پر سر و صدا ... : “حمید
نوری متهم ردیف اول به اتهام جرم “جنایت
علیه بشریت” در دادگاه شهر استکهلم محاکمه
میشود.”

و اینگونه بود که شهر استکهلم بار دیگر بگوش جهان
دروازه گشود.

دادگاه استکهلم در وسط این شهر قرار دارد. بنای آن
به سال ۱۹۱۳ میلادی بر میگردد و چندین درب ورودی
دارد. بر سر در یکی از ورودی ها پیکر نیم تنه و
چشم بسته زنی نقش نهشته که در دستی ترازوی عدالت
دارد و در دستی دیگر شاخه ی زیتون، درخت زیتون

یکی از دیر بار ترین درخت ها است و بنا بر افسانه های یونان قدیم نماد صلح و نیکخواهی؛ اما در عهد عتیق نماد رابطه بین انسان و زمین است. آیا به همین خاطر است که رسیدن به عدالت کاری است نه چندان سهل؟

امروز چهارمین هفته آغاز محاکمه حمید نوری با شهادت یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق که گفت "هنوز بعد از ۳۳ سال از درد حاصل از شکستن فک هایم هنگام شکنجه رنج میبرم" به پایان رسید. این دادگاه تا اواسط ماه آوریل سال ۲۰۲۲ ادامه خواهد یافت. هفته اول، و سه روز آغاز قرائت کیفر خواست از طرف دادستان، بیرون دادگاه شوری داشت. هواداران سازمان مجاهدین خلق با تمام تجهیزات مجهز و فراوانشان در گوشه ای و بقیه نیروها، عمدتاً چپ ها، با پلاکارد ها، بنرها و تصویر های عزیزانشان روبروی دادگاه شاهد مورد خطاب قرار گرفتن چهره رژیم جمهوری اسلامی - حمید نوری - بودند.

خطابیه شامل شمارش لیست بیعدالتی ها، تجاوزات، کشتارها و پایمال کردن های عدیده حقوق انسانی شهروندان کشور ایران بود. قاضی دادگاه متعجبانه میشنید و متهم، بی آنکه خطی بر چهره اش ظاهر شود، زل زل نگاه میکرد. زمانی بازجو بود و شکنجه گر و گستاخ، حال به تعارض گذشته مورد بازجویی قرار گرفته بود. وه که چه چرخشی!!!

در صدر اتاق دادگاه قاضی و دستیارانش نشسته اند. در طرف راست ایشان وکلای حمید نوری نشسته اند و بعد خود نوری که با دستبند به دادگاه وارد میشود. در سوی چپ، دادستان و دستیارش جای دارند و در میان دادگاه شاهد ها، شاکیان، گزارشگران، مترجمین و دیگر وکلا قرار دارند. جلسات دادگاه آرام است، مگر آن زمانی که شاهد ها با حق حق گریه هایشان از بی عدالتی های رژیم یاد میکنند، که نشان از حفظ حرمت و شان انسانی است.

حمید نوری در ماه نوامبر سال ۲۰۱۹ هنگامی که هواپیما در فرودگاه شهر استکهلم بزمین مینشیند دستگیر میشود و همچنان، پس از نزدیک به دو سال، در زندان بسر میبرد.

اما چگونه و بر اساس چه ضابطه ای دولت سوئد توانست یک شهروند ایرانی را در خاک کشورش بازداشت کند؟

ادعای نامه - کیفر خواست - دادستان بر اساس دو بند که بخشی از مصوبات قانون قضائی در حمایت از شأن بشریت میباشد تدوین شده است:

الف - جرم علیه قوانین بین المللی و جرائم جنگی

ب - قتل عمد

در این پرونده شباهت هایی، اگر چه نه چندان چشم گیر، با دادگاه نورمبرگ وجود دارد که در هر دو مورد جنایات جنگی علیه انسانها مورد مواخذه قرار گرفتند. و دولت سوئد هم بر اساس همین اصل یعنی "اصل صلاحیت قضائی جهانی" حمید نوری موسوم به حمید عباسی را دستگیر و بدون وثیقه ایشان را تا بحال در زندان نگاه داشته اند. این بدین معنی است که پرونده ایشان بسیار جدی است. نکته قابل ذکر در اینجا اینکه ایشان در آغاز مدعی بودند که نامش حمید نوری است و شاهد ها به دروغ از وی بنام حمید عباسی یاد میکنند. اما پس از آنکه با رجوع به تلفن همراه وی و دستیابی به پیامهای او به مراجع قانونی ایران با نام مستعار حمید عباسی روشن میگردد خود اوست، دست از این ادعا برداشت و هویت اش را پذیرفت.

اما در تعریف بند الف - در تعریف این بند آمده است: آسیب رسی حاصل از صدمات ناشی از شکنجه و رفتارهای غیر انسانی.

و در تعریف بند ب - قتل عمد: این بند شامل رفتارهای غیر انسانی که منجر به مرگ انسانها شود،

میگردد.

هر دو این بندها در مورد آقای حمید نوری مصداق پیدا میکند به دلیل حضور:

۱- شاهد ها: این شاهد ها شامل همه کسانی میشود که، در دورانی که اعدامهایی که بمنظور پاکسازی زندانها و بویژه زندان گوهردشت و بر حسب دستور خمینی صورت میپذیرفت، با حمید نوری که در آنزمان با سمت دادیاری در زندان گوهردشت خدمت میکرد برخورد های مستقیم داشته اند. و اینکه ایشان در آنزمان از طریق ناصری - رئیس زندان و لشگری - معاون قضائی زندان، در خدمت هیت مرگ - مرکب از: رئیسی، نیری و پورمحمدی - بودند.

۲- شاکیان: این شاکیان شامل همه کسانی میشود که الف - از حمید نوری و نقش ایشان در آزار رسانی به زندانیان بین سالهای ۶۱ تا کشتارهای سال ۶۷ با خبر بوده اند اما در زمان کشتارهای سال ۶۷ در زندان گوهردشت حضور نداشتند؛ ب - شامل حال همه کسانی میشود که اگر چه در زندان نبوده اند اما از نقش حمید نوری در قتل عزیزانشان با خبرند.

تا کنون اکثریت قریب به اتفاق شاهد ها را هواداران سازمان مجاهدین خلق تشکیل داده اند و چپ ها شاکیان را. اما آنچه که به گمان من در این دادگاه اهمیت دارد این نیست که "چی متعلق به کیست"، بلکه چهره و وجدان رژیم به محاکمه کشیده شده است که خباثت هایش علیه بشریت، بی هیچ کم و کاستی، اگر بنا به تعریف نسل کشی نباشد چیزی از آن کم ندارد.

در طول زمان برگزاری این دادگاه حوادثی هم رخ داد که شاید گفتنی باشند. برای من مهمترین رخ دادها مشاهده بیش از چند صد عکس بود که قربانیان ذهنیت و نظم فکری انسانهای متحجر بنا بر کورنگری عقیدتی که توانایی تحمل دیگران را ندارند، شده بودند. دختر خانمی را دیدم که عکس دختر جوانی را

در بغل داشت، از او پرسیدم این کیه ؟ گفت خواهرم است، هفده سالش نشده بود که بجرم پخش روزنامه اعدامش کردند. بغلش کردم و هر دو گریستیم. خانمی را دیدم که بدنبال پسرش بود، برادری که از دیگران سراغ برادرش را میگرفت و زنی که عکس شوهرش را روی پیراهن نقش کرده بود و پرسیده بود "بر سر شوهر من چه آمد".

حمید نوری کوشش میکند که بگوید: من در آن دورانی که کشتارهای سال ۶۷ رخ میداد در گوهردشت نبودم و شغل من هم فقط رسیدگی به مسائل زندانیها بوده است. اما دادستان، شاهد ها، شاکیان، تماشاچی ها، ناظرین بین المللی و وجدان های آگاه و مترقی در صدد آنند تا به ایشان بگویند: ای نادان، این تو نیستی که محاکمه میشوی، باور کور و بد خیم تو و راویان توست که بشریت همزمان با محاکمه ی تو از آن دور میشود.

در خاتمه، من اصلا در انتظار پایان محاکمه و حکم دادگاه نیستم. اینکه امروز جهان ناظر محاکمه رژیم جمهوری اسلامی در چهره حمید نوری است خود حکم انسانی است و نه فرمان الهی. من را بس.

کیومرث صابغی - استکھلم

پانزدهم سپتامبر سال ۲۰۲۱